غروری که باعث سقوط کارتر شد!

پرژینسکی متبسم، با زیرکی خاصی گفت:

«رئیس‌جمهور از این شورا خواسته است که درباره حمله به ایران اعلام نظر کند. من با نظر ژنرال برای یک جنگ تمام عیار موافقم اما معتقدم که باید مقدمات این کار فراهم شود. ضمنا باید ببینیم چقدر می‌توانیم روی دوستانمان در ایران حساب کنیم.»

ژنرال با خود فکر کرد، رئیس‌جمهور - کارتر- هم به جنگ فکر می‌کند. این قضیه خیلی طبیعی بود. رئیس‌جمهور در آستانه انتخابات دوباره قرار داشت و شواهد می‌گفت که محبوبیت او در حال حاضر به مراتب کمتر از رقیبش رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه است و اگر او به عنوان رئیس‌جمهوری کاری کند که باعث غرور آمریکایی‌ها شود، چه بسا بتواند این چند ماه باقی مانده به انتخابات را بدون دغدغه سپری کند.

ترنر گفت:

«ما در حال حاضر بیشتر از شش هزار جاسوس در ایران داریم که عده‌ای از آن‌ها عرب و تبعه کشورهای مختلف هستند. بیشترشان تحت پوشش فعالیت‌های تجاری و صنعتی کار می‌کنند.»

به نظر ژنرال این رقم کمی اغراق‌آمیز آمد، ترنر ادامه داد:

«علاوه بر این افراد، فقط در دهه ۱۹۷۰ بیشتر از دوازده هزار و هفتصد و شصت افسر ایرانی در آمریکا تحت تعلیم بوده‌اند که بیشتر آن‌ها برای تشکیل ستون پنجم واجد شرایط هستند. ضمن این که صرف نظر از وجود اکثر ژنرال‌های ارتش که سلطنت‌طلب می‌باشند، خوشبختانه رژیم آیت‌الله خمینی دردرون خودش مخالفان و دشمنانی از بعضی تشکیلات و سازمان‌ها مثل مجاهدین خلق و کمونیست‌هایی دارد که اطلاعات آن‌ها برای ما بسیار سودمند خواهد بود...»

*** ژنرال با خود فکر کرد، رئیس‌جمهور - کارتر- هم به جنگ فکر می‌کند. این قضیه خیلی طبیعی بود. رئیس‌جمهور در آستانه انتخابات دوباره قرار داشت و شواهد می‌گفت که محبوبیت او در حال حاضر به مراتب کمتر از رقیبش رونالد ریگان از حزب جمهوریخواه است و اگر او به عنوان رئیس‌جمهوری کاری کند که باعث غرور آمریکایی‌ها شود، چه بسا بتواند این چند ماه باقی مانده به انتخابات را بدون دغدغه سپری کند.**

ژنرال با هوشیاری گفت:

«آقای ترنر، شما خوب می‌دانید که طرف حساب ما جاسوس‌ها و افسرهای آموزش دیده و مأموران ساواک یا اعضای سازمان مجاهدین نیستند ما با تعدادی دانشجوی افراطی روبه‌رو هستیم.»

ترنر چشم‌هایش را تنگ کرد و با غرور مخصوص مأموران سیا جواب داد:

«می‌توانیم به بسیاری از آن‌ها وعده زندگی یک میلیونر را که در اوج رفاه و آسایش در جزایر جنوب سکونت دارد، بدهیم. همکاری آن‌ها بیش از آنچه به نظر می‌آید ساده است. در نزد سیا این اصل مسلمی است که شخص هر چه هوشیارانه‌تر و آرام‌تر گرایش‌های وطن‌پرستانه داشته باشد، به مراتب مشکل‌تر قابل نفوذ و جذب شدن است. ولی...»

ترنر مکث کرد تا اثر حرف‌هایش را بر چهره تک‌تک افراد ببیند. براون درباره ترنر اندیشید:

«این دریاسالار بازنشسته چه خوب با وظیفه‌اش آشنا است.»

ترنر با اعتماد به نفس بسیاری سخن می‌گفت. اعتماد به نفس‌اش قابل درک بود، او که هم‌دوره رئیس‌جمهور در آکادمی نیروی دریایی بود، توسط کارتر بر مسند ریاست سازمان سیا تکیه زده بود و با کنار گذاشتن بسیاری از نیروهای قدیمی، سازمان را به طور کامل در خدمت کارتر قرار داده بود.

ترنر ادامه داد:

«ولی، برای گرایش‌های تند و متعصبانه قضیه کاملا متفاوت است. تعصب افراطی در مواجهه با مشکلات زودتر فرسوده و خسته می‌شود و این خود موجب می‌شود که اشخاص مبتلا به آن، آمادگی به خصوصی برای پذیرش ناز و نوازش‌های معمول ماموران سیا را که به اشکال مختلف انجام می‌گیرد، داشته باشند. به هر حال، با توجه به تعداد افرادی که می‌توان به همکاری واداشت از نظر حرفه‌ای هر یک از این دانشجویان بالقوه یک مامور محسوب می‌شود، مگر عکس آن ثابت شود، بله! با توجه به این مسئله طبعا ما عده زیادی مامور خواهیم داشت.»

بعد از مکثی کوتاه گفت:

«مگر عکس آن ثابت شود.»

توضیحات ترنر برای همه افراد حاضر قابل فهم بود. طی سال‌های طولانی ماموران سیا زیر پوشش ماموران عراقی، لیبیایی، ایرانی و با خیلی از تابعیت مختلف در ایران مشغول فعالیت بودند و استفاده از این پوشش هنوز هم مقدور بود. آنها می‌توانستند مناسب‌ترین افراد را انتخاب کنند و احیانا در صورت بروز واکنش‌های ناخوشایند از طرف دانشجوها، بلافاصله آنها را به قتل برسانند. در آن لحظه همه حس می‌کردند، وجود سیا اگرچه ترسناک اما دلگرم‌کننده است.

چند روز بعد نتیجه جلسات این‌طور به اطلاع کارتر رسید:

«شورای امنیت ملی با نظر شما مبتنی بر جنگ مخالف نیست.»

و صبح روز یازدهم روزنامه‌های آمریکا از قول کارتر نوشتند:

«هیچگونه تصمیمی برای جنگ گرفته نشده است. آمریکا به دنبال مذاکره و راه حل‌های مسالمت‌آمیز است.»

* * *

غروب پانزدهم نوامبر ۱۹۷۹ بود. سرهنگ چارلی بکویث در مقر نیروهای ویژه دلتا اخبار روزنامه‌های رویتر و آسوشیتدپرس درباره اشغال سفارت آمریکا در ایران را مطالعه می‌کرد. در مقر فرماندهی «دلتا» این احساس وجود داشت که نیروی دلتا در این ماجرا بالاخره نقشی خواهد داشت. تلفن یک ساعت قبل سرگرد باکشات که ده روز قبل به عنوان رابط نیروی دلتا به بخش عملیاتی نیروهای ویژه نیروی زمینی فرستاده شده بود، چارلی را سخت به خود مشغول کرده بود. باکشات گفته بود:

«رئیس من می‌آیم که با شما صحبت کنم. آنها مرا با یک هواپیمای تی-۳۹ به آنجا خواهند آورد.»

به طور معمول هر رفت و آمدی از پراگ به پایتخت با یک هواپیمای ۷۳۷ پیدمونت انجام می‌شد، البته گاهی هم نیروی زمینی از یک هواپیمای کوچک استفاده می‌کرد اما آوردن باکشات با یک تی-۳۹ که فقط برای بیرون بردن ژنرال‌ها و نه سرگردها استفاده می‌شد، نشان‌دهنده مهم بودن مسئله بود.

آیا بالاخره واشنگتن تصمیم گرفته بود که از دلتا برای نجات جان گروگان‌ها استفاده کند؟ تا آن لحظه سرهنگ اصلا به مشکلات اجرای این ماموریت فکر نکرده بود. اگر دلتا می‌خواست به تهران برسد، مسافت خیلی زیادی تقریبا یک هزار مایل، از کویر ایران باید طی می‌شد، بعد هم مسئله خود حمله بود. چطور ممکن بود در شهری که چهار میلیون نیروی دشمن داشت، به یک مجتمع ساختمانی که به شدت محافظت می‌شد، حمله کرد و از میان آن همه دشمن آن همه گروگان را به سلامت خارج کرد؟ سرگرد فکر کرد شاید مسئله دیگری در کار است و دلتا برای انجام ماموریت دیگری فرا خوانده شده است.

سرهنگ و باکشات سرانجام، همدیگر را در مرکز عملیات پایگاه هوایی پاپ ملاقات کردند.

باکشات خیلی جدی گفت: «می‌دانید رئیس! در ستاد مشترک همه برای نجات جان گروگان‌ها ابراز تمایل می‌کنند اما در بعضی موارد ترس برشان داشته. من چیزهای احمقانه‌ای شنیده‌ام که بعضی از آنها به دلتا هم مربوط می‌شود. بعضی از افراد فکر می‌کنند که ما می‌توانیم با چتر در حومه تهران فرود بیاییم و مانند تروریست‌ها با یک اتومبیل به سفارت برویم. رئیس! قبل از اینکه آنها ما را مسئول کار احمقانه‌ای بکنند، لازم است شما به ستاد مشترک بروید و جلوی گسترش بعضی از این افکار را بگیرید.»

سرهنگ گفت:

«اما من فکر نمی‌کنم رئیس‌جمهور جرات چنین کاری را داشته باشد. من کارتر را مرد قاطعی نمی‌بینم.»

سرهنگ این حرف را با اطمینان می‌گفت. او از رئیس‌جمهور دلخور بود. وقتی رئیس‌جمهور سربازان آمریکایی را که برای فرار از اعزام به ویتنام به کانادا رفته بودند، با فرمان عفو عمومی بخشیده بود، او از کارتر دلخور شده بود. وقتی هم که رئیس‌جمهور تعدادی از افراد باتجربه سازمان سیا را مجبور به ترک سازمان کرد، از او بیشتر عصبانی شد.

سرگرد باکشات جواب داد:

«در هر حال من تایید غیر رسمی برای انتقال دلتا را به یک پایگاه آموزشی امن در بخش شمالی کشور گرفته‌ام. شما امشب یا فردا صبح اطلاعات بیشتری در این مورد از واشنگتن دریافت خواهید کرد.»

سرهنگ با تردید گفت:

«خب! صبر می‌کنیم. اگر دستور انتقال دلتا از پراگ صادر شود، مسئله جدی خواهد بود. آن وقت من در این باره فکر می‌کنم.»

نگاهی به مطبوعات سینمایی در دوران پهلوی-۴

مجله‌ای که خط‌مشی و سیاست‌گذاری آن در خارج تعیین می‌شد

■ سعید مستغاثی

*** کاظم اسماعیلی نخستین سردبیر مجله « ستاره سینما» در گفت‌وگویی که در سال ۱۳۷۱ با فریدون جیرانی انجام داده و قسمت‌هایی از آن در ویژه‌نامه گزارش فیلم منتشر شد، اذعان داشته است که مجلات خارجی بر روی سمت‌گیری ستاره سینما تاثیر زیادی داشتند و اسامی برخی آنها را مانند «فتو پلی آمریکایی»، «مدرن اسکرین» و «اسکرین استوریزگ» را ذکر می‌کند.**

*** بنا بر گفته کاظم اسماعیلی وقتی نخستین شماره مجله «فیلمز اند فیلمینگ» در سال ۱۹۵۴ منتشر گردید، سفارت انگلیس یک نسخه از مجله را برای دفتر ستاره سینما فرستاد. بر اساس گفته‌های قبلی خود اسماعیلی در واقع این مجلات خارجی بودند که خط‌مشی و مسیر مجله را تعیین می‌کردند.**

البته نکته قابل توجه آنجاست که مردم مسلمان ایران اغلب این خیمه‌شب بازی‌ها را بر نمی‌تابیدند و از همین روی طرح و نقشه‌های آنها را با شکست مواجه می‌ساختند. فی‌المثل همین نشریه «عالم سینما» پس از چاپ دو شماره تعطیل شد و استودیو البرز نیز بعد از تولید چند فیلم ۱۶ و ۳۵ میلیمتری به دلیل شکست تجاری فیلم‌ها، نتوانست به کار تولید فیلم ادامه دهد.[۳۰]

اما با تعطیلی هر مجله، مجله‌ای دیگر راه می‌افتاد و طرفه آنکه تقریبا همان عوامل مجله قبلی به مجله جدید هم اسباب‌کشی می‌کردند و خط‌مشی و شیوه کار هم همان بود که بود.

مثلا پایرو گالستیان که خود از مجله «عالم هنر» دکتر کوشان آمده بود، به تدریج پاتوقی در پاساژ روبروی سینما متروپل در خیابان لاله‌زار نو به راه انداخت و گروهی را جمع کرد که عشق سینمای غرب بودند و مجلات سینمایی خارجی آن روزگار مانند «سلور اسکرین» و «مدرن اسکرین» و «اسکرین استوریز» را به قول معروف می‌بلعیدند. مجلاتی که بیشتر شرح حال هنرپیشگان سینما و داستان فیلم‌ها بود. از درون آن پاتوق بود که نشریات سینمایی مانند «جهان سینما» «سینما و تئاتر» و «ستاره سینما» بیرون آمدند.

دو نشریه «جهان سینما» و «سینما و تئاتر» در سال ۱۳۳۱ و پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تعطیل شدند اما «ستاره سینما» که به یکی از دیرپاترین نشریات سینمایی سالهای پیش از انقلاب بدل شد و بسیاری از نویسندگان و به اصطلاح منتقدان شبه روشنفکر و مدعی هنر متفکر از دل آن بیرون آمدند و همواره هم از سوی این گروه به عنوان نمونه برجسته نشریات سینمایی معرفی شده است، درست در اوج فضای مرگبار و خفقان‌آور ایام پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز به کار کرد و در همان روزهایی که هر فریاد آزادیخواهی و استقلال‌طلبی در نطفه خفه می‌شد و مطبوعات (در حالی که بسیاری از آنها تعطیل یا توقیف شده بودند) تحت نظارت و سانسور شدید قرار داشتند، این نشریه با رویکرد هنر و سینما به محملی از سوی رژیم کودتا برای انحراف اذهان از جو سرکوبگرانه‌ای بدل شد که سرویس‌های جاسوسی غرب برای این سرزمین تدارک دیده بودند.

درست روز ۲۸ دی ماه ۱۳۳۲ در حالی حدود ۴۰ روز از قربانی شدن ۳ دانشجو در روز ۱۶ آذرماه و در پیش پای نیکسون معاون رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گذشت و در شرایطی که حکومت خشن نظامی سرلشکر فضل‌الله زاهدی با همراهی عملیات نظامی امنیتی سرتیپ تیمور بختیار، کوچک‌ترین فضای تنفس برای مردم باقی نگذاشته بود، نخستین شماره مجله ستاره سینما با تصویری ۴ رنگ از اوا گاردنر (هنرپیشه زن آمریکایی) در ۲۴ صفحه منتشر شد.[۳۱]

کاظم اسماعیلی نخستین سردبیر مجله «ستاره سینما»، نحوه شکل‌گیری این مجله را اینگونه توضیح می‌دهد:

«... بعد از کودتا ما عصرها همچنان جلوی کیوسک پایرور (گالستیان) جمع می‌شدیم و مجله می‌خریدیم، حرف می‌زدیم و به قول معروف آنجا پاتوق همیشگی ما بود. نمی‌دانم چطور شد که پایرور به انتشار مجله علاقه پیدا کرد. فقط دقیق یادم می‌آید یک روز عصر که همه جلوی پاتوق ایستاده بودیم و پیرامون سینما و مجلات سینمایی خارجی حرف می‌زدیم، او به جمع ما نزدیک شد و پرسید که اگر الان یک نفر مجله سینمایی درست کند، استفاده دارد یا نه؟ همه ما چون علاقمند به کار بودیم و دوست داشتیم پایگاهی پیدا کنیم برای او تشریح کردیم اوضاع الان فرق کرده و مجله سینمایی در این اوضاع که مردم سیاست‌زده شده‌اند و به تفریح نیاز دارند، بیشتر می‌گیرد. پایرور وقتی نظر ما را شنید از فردی صحبت کرد که ۳۰ هزار تومان پول دارد و حاضر است در این راه سرمایه‌گذاری کند. هر چه ما به او اصرار کردیم، پایرور اسم آن فرد را به ما نگفت و فقط از ما خواست که به سرمایه مجله کاری نداشته باشیم و خودمان را حاضر کنیم که یک مجله سینمایی منتشر کنیم. پایرور تحصیلاتی نداشت، سنش هم آن زمان از ما بیشتر بود و از طریق فروش مجلات خارجی سینمایی به سینما علاقه‌مند شده بود...»[۳۲]

اینکه واقعا هویت و نام فرد یا گروهی که حاضر شده بوده و در آن زمان نامنی مطبوعات و نشریات، ۳۰ هزار تومان در اختیار یک سری جوان بی‌کار بگذارد تا مجله سینمایی منتشر کنند، هنوز مشخص نشده، اگر چه حدس‌هایی زده می‌شود اما بنا بر اعتراف و گفته‌های بعدی همین کاظم اسماعیلی می‌توان حدس قریب به یقین زد که در آن اوضاع حکومت نظامی که انتشار هر نوع مجله یا نشریه نیاز به حمایت قوی از ارکان قدرت یا مراکز و کانون‌های استعماری داشت، چه فرد یا گروهی ۳۰ هزار تومان که تقریبا به ارزش ۱۰ میلیارد تومان امروز می‌شود، پرداخت کرده است.

اسماعیلی در گفت‌وگویی که در سال ۱۳۷۱ با فریدون جیرانی انجام داده و قسمت‌هایی از آن در ویژه‌نامه گزارش فیلم منتشر شد، اذعان داشته است که مجلات خارجی بر روی سمت‌گیری ستاره سینما تاثیر زیادی داشتند و اسامی برخی آنها را مانند «فتو پلی آمریکایی»، «مدرن اسکرین» و «اسکرین استوریزگ» را ذکر می‌کند. اما در همین گفت وگو به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند که در لابلای مصاحبه فوق گم شده و اهمیت آن پنهان مانده است.

بنا بر گفته کاظم اسماعیلی وقتی نخستین شماره مجله «فیلمز اند فیلمینگ» در سال ۱۹۵۴ منتشر گردید، سفارت انگلیس یک نسخه از مجله را برای دفتر ستاره سینما فرستاد.[۳۳] بر اساس گفته‌های قبلی خود اسماعیلی که چند سطر بالاتر آمد، در واقع این مجلات خارجی بودند که خط‌مشی و مسیر مجله را تعیین می‌کردند. و حالا سفارت انگلیس مجله‌ای را برای دفتر سینما می‌فرستد تا در حقیقت برای آن تعیین مشی نموده و راه نشان دهد. چگونه می‌شود که یک سفارتخانه خارجی که از عوامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد هم بوده، برای یک نشریه سینمایی خط‌مشی تعیین می‌کند؟!!

از اینجا می‌توان حدس زد که آن مبلغ ۳۰ هزار تومان که برای راه‌اندازی ستاره سینما در اوج خفقان و استبداد کودتایی و حاکمیت سفارت‌های آمریکا و انگلیس پرداخته شده بود، از کجا آب می‌خورد. خصوصا که شخص گالستیان از همان روزهای مجله عالم هنر از طریق اسماعیل کوشان، روابط خوبی با سفارت پیدا کرده بود.

حتی خود اسماعیلی در همان گفت‌وگو اعتراف می‌کند که گالستیان از طریق ارتباط با شخصی به نام محرمعلی خان که از مامورین اداره سانسور شهربانی بوده موفق به دریافت امتیاز مجله می‌شود!![۳۴]

اما گویا چیزی تغییر نکرده و عوض نشده بود، عکس تمام قد سیلوانا منگانو روی جلد مجله نقش می‌بندد تا به قول اسماعیلی تمام ۶۰۰۰ تا مجله چاپ شده به فروش برسد! و باز هم همان نویسندگان مجلات قبلی هستند؛ پرویز نوری، پرویز دوایی و...[۳۵]

ستاره سینما، عمر طولانی پیدا کرد و تقریبا تا آخرین روزهای حکومت شاه در ایران انتشارش ادامه داشت و سردبیران متعددی را به خود دید، از روبرت اکهارت گرفته تا پرویز نوری و سیامک پورزند و نویسندگانی مثل خسرو پرویزی و جهانگیر افشاری و ... که وجه مشترکشان تولید فیلمفارسی و حمایت از آن بود.

در این رویکرد نوعی تناقض بین گفتار و عمل دست‌اندرکاران مجله «ستاره سینما» مشخص بود. آنها در حالی که در مقالات و سرمقالات خود شعار حمایت از سینمای خود را می‌دادند اما از طرف دیگر، روی جلد و صفحات داخلی را به چاپ تصاویر رنگی و بزرگ و کوچک هنرپیشگان خارجی یا بازیگران فیلمفارسی اختصاص می‌دادند! و در صفحات بیشتری، به معرفی همان فیلم‌ها و بازیگران می‌پرداختند!!

منابع در دفتر روزنامه موجود است

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیئت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس به شرح رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۳۰۵۴۰۰۰۱۷۵ مورخ ۹۴/۲/۱۳ تصرفات مالکانه عبداله نظری فرزند قنبر تحت عنوان شدانگ یکباب خانه به مساحت ۶۴۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۴۳ فرعی از ۹۸- اصلی واقع در فین بخش دو به استناد بند الف ماده ۱ و ماده ۳ و تبصره ماده ۱۳ قانون مذکور را تائید نموده است به جهت عدم دسترسی به مالک اولیه مقرر گردید پس از انتشار آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردید و علی هذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزه آگهی جهت اطلاع عموم و مالک و صاحبان حقوق آگهی می‌گردد چنانچه ظرف مهلت دو ماه از تاریخ اولین انتشار آگهی اعتراضی از طرف کسی به اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس وارد نگردد سند مالکیت براساس مفاد رأی صادر فوق در حدود و صلاحیت وفق مقررات صادر خواهد گردید در صورت وصول اعتراض معترض می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مهلت یک ماه به دادگاه صالحه محل مراجعه و تقدیم دادخواست نمائید لذا پس از سپری شدن مهلت مذکور و عدم ارائه تقدیم دادخواست، اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد نمود و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۷/۶

اسمعیل ربیعی‌نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

«آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر»

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۰۳۰۴۴ مورخه ۹۴/۴/۲ تحت کلاسه پرونده ۱۰۳/۹۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی نوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای حسن میرزائی ازندریانی به شناسنامه شماره ۵۲۴ کد ملی ۰۰۵۱۵۰۳۶۸۹ صادره تهران فرزند یوسفعلی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۵۲/۶۰ مترمربع پلاک ۱۸ اصلی واقع در قریه علی‌آباد عسگرخان بخش چهار قشلاقی حوزه ثبت ملک نوشهر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۶/۲۱

رئیس ثبت اسناد و املاک نوشهر- فرامرز گلبادی نژاد

آگهی فقدان نوبت سوم

اصل دانشنامه و ریز نمرات اینجانب ندا آینه‌بند فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ۲۴۸۹ صادره از تهران در مقطع دکتری رشته پزشکی عمومی صادره از دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز با شماره ۷۱۹۱/ف/پ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز به نشانی: اهواز - بلوار گلستان - دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور - ساختمان مرکزی ارسال فرمایند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت دوم

از کلیه سهامداران محترم تعاونی اعتبار فرهنگیان سبزوار دعوت می‌شود که در ساعت ۶ بعدازظهر روز چهارشنبه ۹۴/۷/۱ جهت رسیدگی به امور زیر در سالن فروشگاه فرهنگیان واقع در خیابان کاشفی شمالی حضور بهم رسانند.

۱- ادغام با تعاونی اعتبار کارکنان آموزش و پرورش سبزوار یا انحلال آن

هیئت مدیره تعاونی اعتبار فرهنگیان سبزوار

آگهی تغییرات شرکت لیا سیلیس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۵۶۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۱۳۴۹۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱- ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.

۲- موسسه حسابرسی ارشین حساب به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۵۵۲۸۳ و خانم سحر پیرستانی کد ملی ۰۰۶۳۵۰۳۵۷۳ به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

۳- روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری قزوین

گمشده

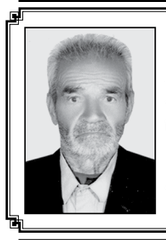

صاحب عکس **محمدقلی بابائیان** ۸۸ ساله که در تاریخ ۹۴/۶/۱۰ از منزل خارج شده و تاکنون مراجعت ننموده است. از کسانی که از وی اطلاعی دارند با شماره تلفن‌های ۰۲۱۵۶۸۳۷۵۵۹-۰۹۱۲۵۹۸۷۶۲۴-۰۳۱۵-۲۴۸۰۲۰۹-۰۹۱۳۵۴۴۵۴۳۱ تماس حاصل نمایند و خانواده وی را از نگرانی نجات دهند.

متن آگهی احضار متهم

در پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۶۵۵۶۰۰۵۲۸ این شعبه مهدی دهقان منشادی ف احمد و خانمی به نام سحر به اتهام رابطه نامشروع با عمل منافی عفت (غیر از زنا) تحت تعقیب قرار گرفته است، با عنایت به مجهول‌المکان بودن متهم و در اجرای مقررات ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا ظرف مهلت ۳۰ روز از انتشار این آگهی جهت دفاع از اتهام انتسابی در این شعبه حاضر گردد. بدیهی است در صورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی بعمل خواهد آمد.

شعبه ۲۶ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ فجرکرج – مهدی زینالی

۲۵۰۰۹/الف کرج - میدان آزادگان- ابتدای خیابان برغان- خیابان شهید محمدی

آگهی ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای (شماره ۶۰۰/۷۲۱۸-۹۴/۶/۲۱)

شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد نسبت به خرید و نصب یکدستگاه جرثقیل تاشو پشت کامیونی بر روی خودرو شاسی بنز ۱۹۲۴ را از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام نماید.

* **محل اخذ اسناد:** شیراز، شرکت آبفا استان فارس (میدان مطهری، ابتدای بلوار قدوسی غربی، نبش خیابان سبحانی بلوک ۴۰۶ طبقه اول اتاق ۱۱۰ امور بازرگانی تلفن ۳۸۴۳۵۱۶۴) و سایت اینترنتی www.abfa-fars.ir

* **محل تسلیم پیشنهادات:** شیراز، شرکت آبفا استان فارس (میدان مطهری، ابتدای بلوار قدوسی غربی، نبش خیابان سبحانی، بلوک ۴۰۶ طبقه اول، واحد دبیرخانه)

* **آخرین مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه:** دوشنبه ۹۴/۶/۳۰

* **تاریخ نهایی قبول پیشنهادات:** پایان وقت اداری روز شنبه ۹۴/۷/۱۱

* **تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات:** ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۹۴/۷/۱۲

* **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بصورت ضمانتنامه بانکی در وجه شرکت آبفا فارس)

* **قیمت اسناد:** ۱۵۰/۰۰۰ ریال (واریز به حساب شماره ۱۵۲۸۹۳۶۴۰۴ بانک ملت شعبه میدان معلم کد شناسه ۲۴۰۰۰۸۰۳۷۱۱۲ بنام شرکت آبفا فارس)

* به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج گردیده است.

* این آگهی در روزنامه خبر جنوب، کیهان و سایت اینترنتی www.abfa-fars.ir نیز درج گردیده است.

* **نوبت اول آگهی: ۹۴/۶/۲۱** **نوبت دوم آگهی: ۹۴/۶/۲۳**

«شرکت آبفا استان فارس»

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی کالا برق ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۵۹۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۱۸۲۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

- روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.

سیداسماعیل جمالی کدملی ۲۱۴۱۷۸۱۰۶۱- خانم مریم شمس امیری کدملی ۲۱۴۱۸۱۸۶۴۸- محمدجعفر محمدپور رودبارکی کدملی ۲۲۴۸۵۰۸۶۰۳- سیدعلی جمالی کدملی ۰۰۶۲۵۱۶۲۳۱ و مهدی محمدپور رودبارکی کدملی ۰۰۶۲۵۳۰۷۸۱- به سمت اعضا اصلی هیئت مدیره و آقای مهرزاد محمدپور رودبارکی کدملی ۰۰۸۰۱۱۲۸۲۱به سمت عضو علی‌البدل هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

ـ آقای ایمان علی‌محمد ابراهیم به شماره ملی ۰۰۱۰۷۹۸۸۵۴۴ به سمت بازرس اصلی و خانم عصمت رجبی ش ملی ۰۰۳۶۱۴۸۹۵۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

- ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۲ به تصویب رسید.

با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب مدیران، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت پرورش داده‌ها سهامی خاص به شماره ثبت ۶۹۷۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۴۷۲۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

آقای محمدحسین ذوالفقاری طهرانی به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره با کد ملی ۰۰۴۳۲۱۶۰۳۱

- آقای احمد بیدآبادی به سمت رئیس هیئت مدیره با کد ملی ۰۰۴۱۶۳۸۱۵۸

- آقای عبدالحسین بیدآبادی به سمت نائب رئیس هیئت مدیره با کد ملی ۰۰۴۳۸۲۱۱۲۱

ب) کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و غیره به امضای ۲ نفر از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات به امضای یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضا، تعیین سمت مدیران، تعیین وضعیت حق امضا، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

دادخواست

خواهان/شاکی فرخ یغمایی و فریدون یغمایی و فریده یغمایی دادخواستی به طرفیت خوانده/ سیدمهدی سیادت و سادات بگم سیادت و نرگس سیادت و حمیده سیادت و ناهید سیادت و قدمعلی یحیی‌زاده و درخشنده سیادت به خواسته خلع ید و مطالبه خسارت و ابطال سند رسمی (موضوع سند ملک است) تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان، شهرستان گرمسار نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گرمسار واقع در استان سمنان - گرمسار - بلوار شهید بهشتی - دادگستری شهرستان گرمسار کدپستی: ۳۵۸۱۷۵۱۱۵۷ تلفن: ۱۷-۳۴۲۲۴۸۱۶ (کد ۰۲۳) ارجاع و به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۲۵۰۴۰۰